



اگر در یک منطقه جغرافیایی مجموعه ای از تجارب و دانش در حوزه سلامت وجود داشته باشد که نسل به نسل منتقل شده باشد، از آن به عنوان طب سنتی آن منطقه یاد می شود



در گفت و گو با مدیر گروه طب مکمل و چینی دانشکده طب سنتی مشهد

## طب مکمل یا طب جایگزین!

در مجامع پزشکی مطرح شد به نام «طب جایگزین» یا «Alternative medicine»، در این زمان که طب رایج در حال پیشرفت و در اوج بود در مواردی به کارگیری روش های طب سنتی و مکمل برای درمان بیماری ها، نتیجه خوبی به همراه داشت و به تدریج این ایده مطرح شد که این روش ها را می توان جایگزین طب رایج کرد.

از این رو «طب جایگزین» مطرح شد اما به تدریج مشخص شد که هیچ روشی را نمی توان جایگزین روش دیگر کرد. هر یک از این روش ها ویژگی های خاص خود را دارد و نمی تواند جایگزین دستاوردهای طب جدید شود، به عنوان مثال می توان به روش های جراحی پیشرفته یا نجات انسان ها از اپیدمی بیماری های مهلک اشاره کرد و این را در نظر گرفت که آیا روش و مکتبی وجود دارد که بتواند چنین دستاوردهایی که طب رایج برای ارتقای سطح سلامت انسان ها داشته را ارائه کند؟ در واقع می توان گفت بیش از ۹۰ درصد کارایی خدمات درمانی و بهداشتی در زمینه ارتقای سلامت در نتیجه به کارگیری طب رایج است.

بنابراین «طب جایگزین» به تدریج حذف شد و از قرن ۲۱ اصطلاحی که بیشتر مورد استفاده قرار می گیرد، اصطلاح طب تجمیعی «integrative medicine» است، یعنی هر یک از رشته های طب رایج و طب مکمل و سنتی توانایی های خاص خود را دارد که می توان از مجموعه ای از همه توانایی ها و پتانسیل آن ها استفاده کرد.

به عنوان مثال طب جدید توانایی هایی دارد و ممکن است در این میان قادر به حل مشکلی نباشد، در کنار آن طب مکمل توانایی دارد که می تواند کاستی طب رایج را پوشش دهد،

دکتر حمید رضا بهرامی - وقتی از طب مکمل سخن می گوئیم باید نمای کلی از آن داشته باشیم و در این زمینه مهم ترین مرجعی که درباره مبانی و راهبرد طبی اظهار نظر می کند، سازمان بهداشت جهانی است و تعریفی که از طب مکمل در این زمینه می شود را می توان چنین ارائه کرد، اگر در یک منطقه جغرافیایی مجموعه ای از تجارب و دانش در حوزه سلامت وجود داشته باشد که نسل به نسل منتقل شده باشد، از آن به عنوان طب سنتی آن منطقه یاد می شود، به عنوان مثال طب سنتی ایرانی مجموعه ای از دانش و تجربیاتی است که نسل به نسل منتقل شده است.

وقتی می خواهیم درباره طب سنتی در سطح جهانی و خارج از منطقه زادگاه آن طب سخن بگوئیم به مجموعه دانش و روش هایی که خارج از طب رایج مطرح باشد، طب مکمل اطلاق می شود.

بنابراین طب سنتی ما برای منطقه خاص خودمان سنتی است اما اگر در آمریکا از آن استفاده شود، دیگر طب سنتی قلمداد نمی شود بلکه طب مکمل نام می گیرد. به عنوان مثال وقتی از طب سنتی چینی در منطقه ما استفاده شود، طب مکمل نامیده می شود. پیشینه طبی مناطق مختلف سابقه متفاوت دارد مانند طب چینی و آیورودا و تبتی پیشینه ۳ تا ۵ هزار ساله دارد و مواردی مانند هومیوپاتی و ماساژ طب غربی، کاپروپراکتی و ... جدیدتر است.

### طب جایگزین

در برهه ای از زمان (حدود دهه ۷۰ میلادی) اصطلاحی

### مهمین رمضانی

همیشه وقتی بیمار می شویم، به دنبال معالجه بیماری به هر شیوه درمانی هستیم. از مراجعه به پزشک عمومی یا متخصص گرفته تا استفاده از داروهای گیاهی، ماساژ، طب سوزنی، هومیوپاتی و ... خلاصه انواع روش هایی که دیگران پیشنهاد می کنند به ویژه اگر مصداقی از موفقیت درمانی داشته باشد، از چشم ما پوشیده نمی ماند. اگر چه نمی توان در این باره ابرازی گرفت اما می توان از نظام بهداشت و درمان این انتظار را داشت که زمینه ای فراهم کند تا تشخیص و درمان بیماری نه وقت زیادی بگیرد و نه هزینه زیادی را به نظام سلامت و بیماران تحمیل کند. در این مطلب با احترام به همه پزشکان و متخصصان بزرگوار و قدر دانی از زحمات شبانه روزی آنان باید گفت؛ متأسفانه باز هم مواردی از مشکلات فراوان تشخیص بیماری تا تجویز و روش های نامناسب درمانی و عوارض مصرف داروها باعث پیچیده تر شدن مشکلات بیماران می شود. برای بررسی بیشتر امسال در پرونده سلامت ویژه نامه نوروزی، به موضوع طب مکمل و جایگاه آن در نظام سلامت می پردازیم. این سوال برای بسیاری مطرح است که چرا طبیبان حاذق که توانسته اند مرزهای علم را در نوردد و کتاب های مرجع پزشکی را به جهانیان عرضه کنند، در میان خودمان مهجور مانده اند؟ و آیا همه احادیث و روایات در زمینه پیشگیری و درمان بیماری ها تنها در زمان خودش کاربرد داشته است یا این کم کاری ماست که هنوز نتوانسته ایم به عمق کلام ائمه معصومین پی ببریم؟ آیا اگر علم و دانش انسانی به منبع غیر قابل خطا متکی باشد بهتر نخواهد بود و احتمال خطا کمتر نمی شود؟ اگر استعداد و سرمایه فکری و مالی که صرف آموزش و یادگیری علوم مختلف می شود، قدری صرف تفقه در آموزه های بزرگان دین می شد، آیا جایگاه ما بسی رفیع تر و مشکلاتمان کمتر از حال نبود؟ از کارشناسان و محققانی که نظراتشان را برای این پرونده ارائه کرده اند، قدر دانی می کنیم و سخنانشان را متاعی گرانبها می دانیم و بر دیده منت می نهیم. قصد ما از بیان نظرات این کارشناسان به معنای تایید یکی و رد دیگری نیست تنها به منظور تأمل بیشتر نخبگان در این حوزه است تا اگر راه به صواب است بر سرعت آن بیفزاییم و اگر به خطا رفته ایم تا بیشتر از این دیر نشده کاستی ها را جبران کنیم زیرا برای تحقق استقلال، نیاز به استقلال در همه جنبه ها از جمله پزشکی و درمان داریم و با پیشینه کهن طب در آموزه های دینی جای آن دارد که مکتب درمانی کارآمد را به جهانیان عرضه کنیم.